

ویر

و تکامل تاریخی عقلانیت

○ هادی جلیلی

○ پژوهشگر اجتماعی

چکیده:

کتاب از هفت مقاله تشکیل شده که از مضمون واحدی برخوردار نیستند؛ اما وجه مشترک اکثر آنها، توجه به فرایند عقلانیت است. بهترین مقاله کتاب، نوشته پارسونز درباره جامعه‌شناسی دین، ماکس ویر است. ویر سعی داشته است ادیان را در تیپ‌های معینی قرار دهد و از این طریق روند تکامل عقلانیت را در آنها دنبال کند. چکیده نظر ویر این است که فرایند عقلانی شدن با دین آغاز شد و در نهایت به پیدایش دنیای مدرن انجامید و آنگاه اقتصاد و سیاست، روند عقلانی‌سازی را پیگیری می‌کنند؛ روندی که در نهایت آینده چندان امیدوارکننده‌ای را نوید نمی‌دهد.

روند آشنایی فارسی‌زبانان با آثار و افکار ماکس ویر تا به امروز چنان کند پیش رفته که هنوز هم پس از گذشت هشتاد سال از درگذشت این جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴) ترجمه چند مقاله درباره آراء او، رویدادی مهم و قابل توجه به نظر می‌رسد. پیچیدگی و دیرپایی آثار وی به حدی است که تلاش‌های انجام شده برای برگرداندن آنها به فارسی عمدتاً موفق و موجب سرخوردگی مترجمین و خوانندگان بوده است. این بار دو مترجم نام‌آشنا خطر کرده و دست به ترجمه چند مقاله از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی درباره آراء ماکس ویر زده‌اند. اما نکته جالب این که برخی از نویسندگان مقالات در دشوارنویسی گوی سبقت را از ویر ربوده‌اند. به ویژه تالکوت پارسونز که تا مدت‌ها مورد ظن و تمسخر همکاران خود قرار گرفت سی رایت میلز، و جامعه‌شناسانی که در دوران دانشجویی مجبور به مطالعه آثار او بوده‌اند، هنوز هم خاطره تلخ غیر قابل فهم بودن آنها را از یاد نبرده‌اند (استازک).

کتاب از هفت مقاله تشکیل شده که از مضمون واحدی برخوردار نیستند. «عقلانیت و آزادی» نوشته کارل لوپیت، پیدایش عقلانیت غربی از دیدگاه ماکس ویر به قلم ولفگانگ شلوختر، و ساختمان‌های منطقی جامعه‌شناسی دین ماکس ویر از پارسونز هر سه به نوعی حول محور «عقلانیت» دور می‌زنند. اولی سرنوشت انسان را در یک نظام کاملاً عقلانی شده مورد بحث قرار داده و دومی فرایند عقلانیت را در حقوق و سومی روند تکاملی آن را در دین نشان می‌دهد، بهترین مقاله کتاب همان نوشته پارسونز درباره جامعه‌شناسی دین ویر است. این نوشته که در اصل مقدمه پارسونز بر ترجمه انگلیسی «جامعه‌شناسی دین» ماکس ویر است، به واقع پیش درآمد و کلید فهم آن به شمار می‌آید. ویر

○ عقلانیت و آزادی؛ مقالاتی از ماکس ویر و درباره

ماکس ویر

○ یداد... موقن و احمد تدین

○ هرمس

○ ۱۳۷۹، ۱۶۰ ص، ۳۰۰۰ نسخه

وبر، چارچوب نظری خود درباره تکامل تاریخی عقلانیت و دین را در کتاب «جامعه‌شناسی دین» چنان زیر اطلاعات ریز و درشت و بی‌شمار تاریخی مدفون کرده که مطالعه کتاب او بدون توجه به قرائت پارسونز از وبر، سود چندانی نخواهد داشت

به عقیده وبر، عقلانی شدن با دین آغاز شد و در نهایت به پیدایش دنیای مدرن انجامید و آنگاه علم اقتصاد و سیاست، روند عقلانی‌سازی را پیگیری می‌کنند؛ روندی که در نهایت آینده چندان امیدوارکننده‌ای را نوید نمی‌دهد

پیتر بلاو معتقد است که دیوانسالاری همچون سرمایه‌داری یک پدیده منحصر به فرد غربی است و نمی‌توان با استفاده از نمونه‌ی مثالی یک پدیده منفرد، به حکمی کلی رسید

با عنوان «معضل عدل الهی» یاد می‌کند. روند عقلانی شدن به واسطه گریزناپذیر بودن معضل فوق همواره سیر صعودی طی می‌کند. یعنی یک نظام انتزاعی‌تر و عقلانی‌تر جایگزین نظام عقلانی و ناکارآمد پیشین می‌شود.

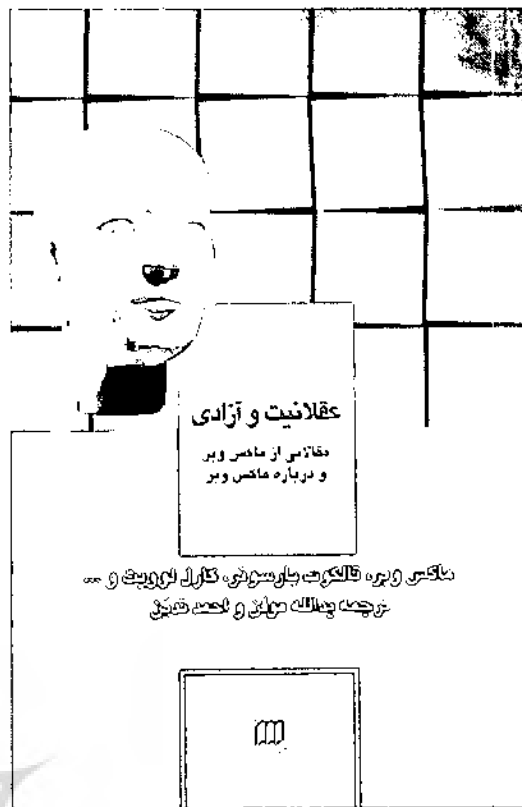
از سوی دیگر، میان علایق دنیوی و میل به کسب کمالات معنوی نیز می‌تواند تعارض به وجود آید که حاصل آن «نیاز به رستگاری» خواهد بود. در نهایت وبر چهار نوع پاسخ ممکن را برای رفع نیاز به رستگاری برمی‌شمارد که تنها یکی از آنها به شکل‌گیری «عقلانیت صوری» که بنیاد جامعه مدرن غرب است، منتهی می‌شود.

اگر بخواهیم لب نظر وبر را تنها در یک جمله خلاصه کنیم باید گفت که فرایند عقلانی شدن با دین آغاز شد و در نهایت به پیدایش دنیای مدرن انجامید و آنگاه علم، اقتصاد و سیاست روند عقلانی‌سازی را پیگیری می‌کنند؛ روندی که در نهایت آینده چندان امیدوارکننده‌ای را نوید نمی‌دهد.

مقاله دیگری نیز از پارسونز در این مجموعه قرار داده شده که در حقیقت بخشی از کتاب «ساختار کنش اجتماعی» است. اصل ربط ارزشی و نسبیست در علوم اجتماعی، موضوع مورد توجه پارسونز در این نوشته است. وی ضمن بیان موضع وبر نتیجه می‌گیرد که اگر چه اصل ربط ارزشی عنصری از نسبیست را وارد روش‌شناسی علمی می‌کند، اما آن شک‌گرایی را که پیامد گریزناپذیر هر نوع نسبیست‌گرایی رادیکال است، دربر ندارد.

در این میان دو مقاله نیز از پیتر بلاو به چشم می‌خورد. در یکی از نوشته‌ها او به تشریح مفهوم دیوانسالاری که از جمله مهم‌ترین مقوله‌های مورد توجه وبر است، می‌پردازد و سعی دارد دست‌آوردهای جدید جامعه‌شناسان در این باب، و نقایص نگرش وبر را به خواننده نشان دهد. در مقاله دوم، بلاو انتقادات شدیدتری را مطرح می‌کند. او در این مقاله نظریه «اقترا» را بررسی و بیشترین حمله را متوجه نمونه‌های مثالی (Ideal type) می‌کند. او معتقد است که دیوانسالاری همچون سرمایه‌داری یک پدیده منحصر به فرد غربی است و نمی‌توان با استفاده از نمونه‌ی مثالی یک پدیده منفرد، به حکمی کلی رسید. به نظر او برای اصلاح نظر وبر باید از نمونه‌های مثالی صرف‌نظر کرد.

در مجموع کتاب حاوی مقالاتی مهم و ارزشمند است. به‌ویژه که گذشت زمان، اهمیت روایت پارسونز و نوشته‌های او درباره وبر را بیش از پیش نشان داده است. ضمن آن که ترجمه شایسته بدالله موقن مجال بیشتری برای استفاده از نوشته‌های پارسونز فراهم آورده است. اما این نکته را باید گفت که با آن که این کتاب، عنوان فرعی «مقالاتی از ماکس وبر و...» را بر خود دارد، تنها ۷ صفحه از مجموع ۱۶۰ صفحه آن به نوشته‌ای از وبر اختصاص یافته است. در هر حال با عنایت به تجدید حیات اقبال به آراء ماکس وبر طی دهه‌های اخیر کتاب حاضر بدون تردید اثری است مفید برای آشنایی با ادبیاتی که حول آثار و آراء ماکس وبر شکل گرفته است.



چارچوب نظری خود درباره تکامل تاریخی عقلانیت و دین را چنان زیر اطلاعات ریز و درشت و بی‌شمار تاریخی مدفون کرده که مطالعه آن بدون توجه به قرائت پارسونز از وبر سود چندانی نخواهد داشت.

اصولاً دو نوع نگاه به آثار وبر وجود دارد که عبارتند از نگرش تکاملی و نگرش تطبیقی، طرفداران دیدگاه تطبیقی (مانند وینکلمان، ویراستار «اقتصاد جامعه») نوعی نگاه پدیدارشناختی را در مباحث ماکس وبر می‌یابند. به این معنا که معتقدند وبر سعی دارد جوامع و پدیده‌های اجتماعی را به عنوان پدیده‌هایی منحصر به فرد مورد مطالعه قرار دهد. طرفداران این روایت به مقاله «روانشناسی اجتماعی ادیان جهانی» استناد می‌کنند. وبر در این مقاله صراحتاً می‌گوید در پی مقایسه ادیان جهانی برای رسیدن به ویژگی‌های منحصر به فرد آنها است.

در مقابل از آثار وبر قرائتی تکامل‌گرایانه ارائه می‌شود که در میان طرفداران این دیدگاه پارسونز بیش از همه می‌درخشد. او با استناد به «جامعه‌شناسی دین» وبر به نحو قانع‌کننده‌ای نشان داد که وبر سعی داشته ادیان را در تیپ‌های معینی قرار دهد و از این طریق روند تکامل عقلانیت را در آنها دنبال کند. البته وبر اعتقادی به دیدگاه تکامل‌تک‌خطی نداشت - و همواره مارکس و هگل را از این جهت مورد انتقاد قرار می‌داد - بلکه سعی کرده است تا راه‌های مختلفی که در مقابل سیر تکامل عقلانی ادیان وجود داشته (و عمدتاً دو شقی‌اند) را بررسی کند.

دین و پیامبران مهمترین پرچمداران فرایند عقلانی‌سازی پیش از دوران مدرن بوده‌اند. دین برای انجام وظیفه خود - معنا بخشیدن به جهان و حیات بشر- دیدگاهی عقلانی را تدارک می‌بیند. پیامبران نیز با تبلیغ دین‌شان، خود را در تقابل با جادو و ناگزیر از سنت‌شکنی می‌یافتند. بنابراین، هر پیامبری برای توضیح سنت‌شکنی خود توضیحی عقلانی عرضه می‌کند. اما این نظام‌های عقلانی از آنجا که مانند هر نظام عقلانی دیگری قادر نیستند تمامی رخدادها و واقعیات روزمره را توجیه کنند، به ناسازگاری انتظارات به هنجار برخاسته از تعالیم دینی و تجربه‌های زندگی عینی مؤمنان منتهی می‌شوند. تعارضی که وبر از آن